

ادامه از صفحه اول

چرا اصولگرایان می‌گویند ترامپ و بایدن فرقی ندارند؟

اصلاح‌طلبان و آنان که روحیه مصلحانه‌ای دارند، این‌گونه القا می‌کنند که ترامپ شناس چندان‌ی برای پیروزی ندارد و محبوبیتش کاهش و جایگاهش در میان مردم آمریکا تنزل یافته است و از سوی دیگر اپوزیسیون به درست یا نادرست ترامپ را خطری بالقوه برای ایران می‌داند و از پیروزی او استقبال کرده و با اتکا به این پیروزی درصدد ایجاد خوف و رجا در پیروزی و شکست نامزدهای انتخاباتی آمریکا است.
بایدن عامل خوف برای اپوزیسیون و تکرار اصلاحات و ترامپ عامل رجا برای آنان است. از چشم ترامپمیست‌ها ترامپ کارکرد دوگانه‌ای دارد؛ دفع حداکثری اصلاح‌طلبان و شکست سیاست‌های ملی ایران. اصلاح‌طلبان (پوزیسیون) و مخالفان و منتقدان (اپوزیسیون) در نبردی پنهان در میدان مبارزه‌اند اما اصولگرایان خاموش ایستاده و نظاره‌گرند. آنان به شیوه‌ای سستی این تفکر یا استراتژی را دنبال می‌کنند که هیچ فرقی بین ترامپ و بایدن وجود ندارد و انتخابات آمریکا تأثیر چندان‌ی بر انتخابات ایران ندارد.
سختی که بعید است باور چندان‌ی به آن داشته باشند. اصولگرایان معتدل از آمدن بایدن استقبال خواهند کرد؛ چراکه می‌دانند با پیروزی بایدن از وضعیت استثنائی کشور کاسته خواهد شد و چون حضور مردم در این انتخابات مانند رقابت‌های گذشته چشمگیر نخواهد بود، اصلاح‌طلبان شکست خورده و اصولگرایان معتدل به هر تقدیر در شرایط مناسبی به قدرت خواهند رسید. پس برای آنان پیروی بایدن مفید به فایده است. اما دیگر اصولگرایان، از پیروزی ترامپ استقبال نمی‌کنند. زیرا اوضاع به سستی می‌رود که احتمال پیروزی‌شان دوجندان خواهد شد. با پیروزی ترامپ مردم ناامید به کار هرکس نباید به کار آنان می‌آید اما پیروزی بایدن کار آنان را دشوار می‌کند.
گیرم برای شرایط کنونی کشور بد، بهتر از بدتر باشد. این دسته از اصولگرایان که همواره در سیاست داخلی خیر خود را در بدتر جسته‌اند، این‌بار نیز دل به آن بسته‌اند؛ بدتری که کمترین منفعتش حفظ منافع آنان و رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری بعد از پیروزی حداقلی در مجلس است. پس دست بر قضا انتخابات آمریکا بیش از آنکه برای اصلاح‌طلبان اهمیت داشته باشد، برای اصولگرایان اهمیت دارد. آنان خود را در موقعیت دوسر برد می‌بینند؛ چون به این باور رسیده‌اند یا انتظار دارند مردم به دلایل گوناگون در انتخابات شرکت نکنند. حضور،یافتن مردم مترادف پیروزی قطعی اصولگرایان است. پس از این منظر است که آنان می‌گویند فرقی بین ترامپ و بایدن نیست و هم‌زمان با اپوزیسیون به اصلاح‌طلبان حمله می‌کنند.
در این میان اصولگرایان نیز بدشان نمی‌آید اصلاح‌طلبان را از میدان حذف کنند. اگر زامانی با حضور آنان دوگانه‌ای می‌ساختند که موجب تحرک سیاسی در سطح داخلی و خارجی می‌شد، الان در این شرایط استثنائی فرصت اندیشیدن به این تاکتیک‌های فرسوده نیست. اینک جان‌سختی اصلاح‌طلبان، آنان را خشمگین می‌کند؛ پس تلاش می‌کنند تا تنها راه پیروزی احتمالی اصلاح‌طلبان یعنی پیروزی بایدن را که احیای دوباره امید است، به انفعال بکشانند تا مردم به این باور برسند که با پیروزی بایدن هم در بر همان پاشنه می‌چرخد. اما پرسش اساسی اینجاست که آیا واقعا با پیروزی بایدن در بر همان پاشنه خواهد چرخید؟ یا هدف دک‌کردن اصلاح‌طلبان و خاموشی شور به‌وجودآمده از پیروزی بایدن در میان مردم دلبسته به اصلاحات است؟ پس انتخابات آمریکا برای اصولگرایان همچون اپوزیسیون، هم استراتژی و هم تاکتیک است. استراتژی آنان بی‌اهمیت جلوه‌ادن انتخابات آمریکا در سرنوشت داخلی ایران است و تاکتیک آنان بهره‌برداری از انفعال به‌وجودآمده از این استراتژی است. برای اینکه راه به خطا نبریم و خود را از موضع‌گیری‌های منتهی جناح‌های سیاسی جدا کنیم، باید به این نکته اعتراف کنیم که در سیاست‌های کلان آمریکا که در آن آمریکا پیگیر منافع حداکثری خود در مواجهه با ایران و منطقه است، تفاوت چندان‌ی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان وجود ندارد و اصولگرایان یکدیگر، که جملگی جزء طبقات مرفه جامعه‌اند، این نکته را بهتر می‌دانند که تحریم‌های آمریکا در زمان اواما با گرفته و طراحی و اجرایی شده است. همین مردم می‌دانند که مگر می‌شود بین دو رئیس‌جمهور سیاست‌های آنها فرقی نباشد. مگر همین اصولگرایان نبوده‌اند می‌گفتند تفاوتی بین میان احمدی‌نژاد و هاشمی‌رفسنجانی هست. اکنون بعید است مردم اعتنایی به سخنان اصولگرایان بکنند؛ آن‌هم اصولگراییانی که اغلب نهادهای دولتی و رسمی در دستان آنهاست و تحریم‌ها بر زندگی‌شان اثر چندان‌ی ندارد.
اینک دیگر مردم بدن‌های عرفی نیستند، بدن‌های سیاسی‌اند و هر کنششان، آمدن یا نیامدشان، معنای سیاسی دارد و شاید در کوتاه‌مدت نیامدشان برای اصولگرایان منفعت‌آفرین باشد اما در زمانی نه‌چندان دور نگران کننده خواهد شد

ماجرای رفتن روحانی به مجلس یا شرکت‌نکردن در نشست سران قوا و رفتن قالیباف به بیمارستان، مسئله را فراتر از رعایت‌کردن یا رعایت‌نکردن پروتکل‌های بهداشتی کرونا به یک پینگ‌پنگ سیاسی میان دو قوه بدل کرده؛ تا جایی که به سخنان کنایه‌وار روحانی و قالیباف علیه هم و حتی میان نزدیکانشان منتج شده است. روحانی آنهایی که پروتکل‌ها را رعایت نمی‌کنند، به عدم علاقتی متهم می‌کند و قالیباف در پاسخ کنایه می‌زند که برخی عقل معاش را جای عقل معاد گذاشته‌اند. روحانی به‌جز روز افتتاح، پایش را در مجلس نگذاشته است. هر بار که مجلسیان اعتراض کرده‌اند که طبق قانون باید برای دفاع از وزرای پیشنهادی‌اش به مجلس بیاید، اعلام شد طبق توصیه ستاد مبارزه ملی با کرونا، روحانی از آمدن به مجلس منع شده است. در مقابل قالیباف که مدیریت و مردمی بودن را صرفا در حضور میدانی و انتشار تصاویر و خبرش می‌داند، سفر استانی می‌رود و در آخرین خبر از بیمارستان بیمارمان مبتلا به کرونا بازدید کرده است. حالا بسیاری می‌گویند قالیباف پروتکل‌هایی را که برای همه ارسال شده، رعایت نمی‌کند؛ شاید هم می‌خواهد عمدا رفتاری معکوس روحانی در پیش بگیرد. روحانی گفته بود «همه مردم و مسئولان بدون استثنا باید رعایت کنند و هیچ استثنائی نداریم. تأکید رهبر معظم انقلاب و قانون کشور است، وظیفه قانونی، ملی و شرعی است و هیچ‌کس نمی‌تواند از این پروتکل تخلف کند. خداوند به ما عقل داده و با عقل موظف به حفظ جان خود و دیگران هستیم. قانون و شرع و حتی شرایط بهداشت جهانی هم به ما همین را می‌گوید. هر جا خدای ناکرده رشد فرهنگی و اجتماعی پایین بیاید و به قانون و مقررات و دستورالعمل‌های ستاد ملی کرونا توجه نشود، پیروز نمی‌شویم». در واکنش به لغو می‌گوید، هر جا خدای ناکرده رشد فرهنگی و اجتماعی پایین بیاید و به قانون و مقررات و دستورالعمل‌های ستاد ملی کرونا توجه نشود، پیروز نمی‌شویم». در واکنش به لغو جلسه سران قوا هم گفته که «تمامی مواردی که خودم شک کردم، با ستاد ملی مقابله کرونا مشورت کردم که مثلا این جلسه را بگذارم یا نگذارم، به این سمینار بروم یا نروم و به همه توصیه‌های آنها عمل کردم». ما باید به عقل خود و دستورات شرع و پروتکل‌های بهداشتی عمل کنیم». واعظی، مسئول‌دفتر روحانی، درباره اینکه پس از حضور رئیس مجلس در بیمارستان و عبادت از بیماران کرونایی، این مسئله مطرح شد که آیا ستاد ملی مبارزه با

کرونا برای مسئولان پروتکل‌های بهداشتی تعریف نکرده است؟ به اینلنا گفته: پروتکل‌ها برای همه تعیین و ابلاغ شده است، حتی به مجلس هم در یکی از روزهایی که هم جلسه صحن و هم کمیسیون‌ها را داشت، دوباره از طریق وزارت بهداشت نامه‌نگاری صورت گرفت مبنی بر اینکه چیزی که به‌عنوان پروتکل ابلاغ کرده‌ایم، رعایت نمی‌شود. ما که در ستاد ملی مبارزه با کرونا نمی‌توانیم مرتب هر روز با نماینده یا رئیس مجلس درگیری به وجود بیاوریم برای اینکه پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند یا نمی‌کنند؛ چراکه این وظیفه خود ماست که پروتکل‌ها را رعایت کنیم. وی با بیان اینکه امروز در کشور مشاهده می‌کنیم بیش از هر شخص دیگری مقام معظم رهبری پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند، عنوان کرد: رهبر انقلاب نغتنها پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند، حتی اعلام کردند هر چیزی که ستاد ملی ابلاغ کند، من وظیفه دارم آن را اجرا کنم؛ آن‌وقت چگونه می‌شود سران سه قوه و دیگران با افتخار کارهای دیگری کنند و بگویند آن فردی که رعایت می‌کند، جانش را دوست دارد؟! واعظی با اشاره به اینکه برخی از رفتارها درست نیست، اظهار کرد:

سیاست



مدیریت میدانی به وقت کرونا

پینگ‌پنگ سیاسی بین ۲ قوه

در خرداد امسال معاون بهداشت وزیر بهداشت و درمان به همه بیمارستان‌های کشور اعلام کرد ملاقات بیماران کرونایی ممنوع است. خب هنگامی که این ملاقات ممنوع است، یعنی برای همه ممنوع است، مگر نمی‌توانستند بگویند «گان» نتان کنید و «ماسک» بزنید و با خانواده‌ها یا مریضتان ملاقات کنید؟ حالا یک شخصی رعایت نمی‌کند، خودش تصمیم گرفته است، اینکه بیاید در یک جلسه، دو قوه دیگر را مبتلا کند، کار درستی نیست. او در ادامه با گفتن اینکه متأسفانه همه چیز جنبه سیاسی و تبلیغاتی به خودش گرفته است، بیان کرد: یک موضوع بهداشتی روشن به یک موضوع بزرگ تبدیل شده است. به نظر من افراد باید از این حالتی که از الان می‌خواهند خودشان را برای آینده مطرح کنند، یک مقدار پرهیز کنند.اما قالیباف این حرف‌ها را قبول ندارد و گفته است: «تکلیف سخت‌گیری، بلکه با رعایت جدی‌تر در خصوص فاصله اجتماعی و پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم می‌توانیم در این زمینه موفقیت‌هایی کسب کنیم. اینکه ما در شرایط فعلی و با وجود تجربه هشت‌ماهه مبارزه با کرونا در فصل

ادامه از صفحه اول

قله آواز ایران در انحصار و فتح شجریان باقی مانده است

خوشنویسی، ساختن ساز و پرورش کل را در کنار آواز دنبال می‌کرد. ضمن اینکه اشراف و علاقه‌ای ویژه به زبان فارسی داشت. دانش ادبی‌اش تحت تأثیر دو ادیب بزرگ هوشنگ ابتهاج و شفیع‌ی کدکنی است که در اثر مؤانست و ارتباط مستقیم است. در یکی از مصاحبه‌های من با ایشان نکته جالبی را اشاره کردند و می‌گفتند: «وقتی سعدی یا حافظ می‌خوانم، آن چنان با این شعر انس پیدا می‌کنم که گویی خودم حافظ و سعدی هستم و منوجه می‌شوم چه بخش‌هایی از شعر حرفه‌اندی که متعلق به این شعران هستند». یکی از وجوهی که استاد شجریان را از دیگر هنرمندان متمایز می‌کند، این است که هرگز در هیچ دوره زندگی از ایران مهاجرت نکردند و با وجود پیشنهادهای بسیار خوبی که برای زندگی در خارج از ایران داشتند، در کشورشان ماندند و «حاک پای مردم ایران»بودن را به هجرت در سرزمینی غیر از ایران ترجیح دادند. این نکته تحسین‌برانگیزی است؛ چراکه به نظر می‌رسد هنرمندانی که از ایران مهاجرت کردند، به‌ویژه هنرمندانی که در حیطه هنرهای سنتی کار می‌کردند، بعد از مهاجرت از ایران، عموماً از حال و هوا و حس نیروی خودشان دور شدند که نمونه بارز آن محمدرضا لطفی است که پس از مهاجرت از ایران تا برگشت به کشورش، تقریباً هیچ اثر ماندگاری را خلق نمی‌کند. هنرمندی که در کشور خودش زندگی می‌کند، می‌تواند منبع خلق و منشأ اثر بیشتری باشد. استاد شجریان در زمره اخلاق‌دارترین هنرمندانی است که تاریخ موسیقی ما به خودش دیده است. با وجود ۶۰ سال استمرار در فعالیت هنری، کسی نمی‌تواند درباره سبک و سلوک رفتاری ایشان نقدی وارد بدارند. همیشه چه در مواجهه با هنرمندان ایرانی و چه در مواجهه با مردم، خیلی پایبند به اصول بودند. بسیار سخت است که در دوره‌ای فعالیت کنید که هنرمندان صاحب‌نام و ملقب‌داران موسیقی مثل محمودی خوانساری، غلامحسین بنان، حسین قوامی، دوامی، اکبر گلپا و ایرج و عبدالوهاب شهیدی حضور دارند. شجریان توانست در کنار این استادان به جایگاه واقعی خودش در مدت‌زمان کوتاهی برسد. حضور در این دوره تاریخی برای ایشان فرصت مغتنم و سختی بوده است. در کلاس‌های‌شان اشاره می‌کردند که بهتر است

همان‌طور که مرحوم دوامی استاد ایشان بوده و ضربی خوانی و آواز را نزد ایشان فرا می‌گرفته، در همان دوران می‌توانسته همراهی استاد عبادی را هم داشته باشد. به گفته استاد شجریان تأثیرگذارترین فرد در شیوه آوازش جلیل شهباز بوده. از طرفی آهنگ‌سازیانی مثل پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی و فرامرز پایور، آثار درخشان و ماندگاری را با استاد شجریان خلق کردند. هرچند آهنگ‌سازان دیگری مثل حسن و حسین یوسفززمانی، فریدون شهبازیان، آهنگ‌فخرالدینی، کامیوز روشنی‌ان و بسیاری از آهنگ‌سازان دیگر هم کنار ایشان بودند، همکاری با این سه آهنگساز بیشترین تحول درشخصیت هنری ایشان را به وجود می‌آورد و ماندگاری کارهای ایشان هم با این سه نفر بوده. در آغاز انقلاب استاد شجریان، اولین خواننده انقلابی سنتی بودند که همراه شهرام ناظری، آثاری را در کنار گروه شیدا و عارف خلق کردند. با وجود اینکه همکاری‌هایی که با حسین علیزاده داشتند و آثار ماندگاری خلق کردند، اما حسین علیزاده تأثیر عمیقی بر شیوه خواندن ایشان نمی‌گذارد. در پژوهشی که در حوزه آواز ایشان داشتم، حدود ۳۰۰ آلبوم و اثر آواری استاد را تجزیه و تحلیل کردم و در این تحقیق به نتایج درخور توجهی رسیدم؛ ازجمله اینکه محمدرضا شجریان در تمام مدت حیات هنری‌اش، آوازهایی که خوانده، عمدتاً به صورت بداهه بوده و از تکرار و بازخوانی مستقیم گوشه‌های ردیف آواری اجتناب کرده است و در یکی از نشست‌هایی که با استاد داشتم، اشاره کردم که «ردیف آواری محمدرضا شجریان به وسعت کل دوره آوازخوانی ایشان است و شجریان نمی‌تواند محدود به اجرای چند گوشه‌ای باشد که در قالب یک ردیف منتشر می‌شود. استاد شجریان این نظریه را علمی‌ترین تعریف و تحلیل از آوازشان در ۵۰ سال گذشته دانستند. رنگ و حجم و جنس صدای شجریان، یکی از دلایل موفقیتش است. علاوه بر اینکه استاد شجریان جزء معدود خوانندگانی است که هیچ‌گاه به‌اصطلاح خارج نخوانده است و تکنیک و احساس و دانش موسیقایی‌اش و سخت‌گیری در انتخاب شعر و ملودی از دلایل مائانی صدا و نامش در عرصه موسیقی ایران است. محمدرضا شجریان، شخصیتی چندوجهی داشت. نوازندگی سنتور،

اقدامات استادی که بیش از نیم قرن، نماد یک فعالیت تخصصی است، انواع آلبوم‌ها، اجراها و شیوه پیاده‌سازی تکنیک آواز و حتی آهنگ‌سازی، برای علاقه‌مندان به آموختن این دانش، نوعی آموزش عمومی است؛ یعنی افرادی که برای شروع فعالیت می‌توانند از اجراهای او باموزند یا به‌دلیل دسترسی‌نداشتن یا نبود تمکن مالی، از اجراها و اجرای گفت‌وگوهای تخصصی او در باب یک دستگاه، ساز یا نحوه تمرین موسیقی در جوانی و بعد از آن، مانند یک کلاس آموزشی بهره ببرند. رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری‌ها در تعلیم و تربیت از جمله «خود یادگیری» یادگیری فرایندمدار و مستقل، به این سبک آموختن کمک شایانی کرده است. این شاخص در موردی اختیار استادان رشته‌های مختلف در سطح جهان قرار دارد. آموزش عمومی، فراهم‌کردن شرایط آموزش برای همه در هر سطح و شرایط اجتماعی است تا استعدادها در سطح جغرافیای پهناوری مانند ایران، برگشیده شده و بعدها عامل پیشرفت در آن حوزه تخصصی باشند. نوعی تکمیل زنجیره مدیریت دانش. Knowledge به تمامی آگاهی‌ها و مهارت‌هایی گفته می‌شود که از آزمایش و آموزش به دست آمده و مدیریت دانش، به معنای در دسترس قرار دادن نظاممند اطلاعات و اندوخته‌های علمی است، به‌گونه‌ای که به هنگام نیاز، از اختیار افرادی که نیازمند آنها هستند، قرار گیرند تا آنها بتوانند کار خود را بر زمره کار با بازدهی بیشتر و مؤثرتر انجام دهند. این مفهوم مدیریتی بیشتر در سازمان‌ها، به‌کارگیری شده و نظریه‌پردازان آن نیز با همین رویکرد، به تشریح آن پرداخته‌اند؛ اما استادی با توانمندی، تسلط و کاربزمیانی مثل محمدرضا شجریان، برای همه علاقه‌مندان به آموختن موسیقی و آواز به‌مثابه اجرای

پاییز آمار تلفات بالاتری نسبت به روزهایی داشته باشیم که هنوز با این بیماری آشنا نبودیم، پذیرفتنی نیست؛ ازاین‌رو باید دست به بست هم دهیم و با همکاری هم شیوع این بیماری را کنترل کنیم». در کنایه دیگری هم به آنها که او را متهم به عدم رعایت پروتکل‌ها و شواف کرده‌اند، گفته است: «یک عقل معاد داریم، یک عقل معاش؛ در مبارزه با کرونا پرستاران و پزشکان با عقل معاد کار کردند نه با عقل معاش. آن چیزی که ما را از جنگ اقتصادی و کرونا بیرون می‌برد، وحدت و صمیمیت و پرهیز از اختلاف است. نباید موضوعاتی جز آنچه را مشکل مردم است، به میان آوریم. ما در نظارت میدانی، همه پروتکل‌ها را رعایت کردیم. فرمانده ستاد کرونا، رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی و رئیس بیمارستان حاضر بودند و بر رعایت پروتکل‌ها نظارت کردند. اگر کنار مجاهدان خط مقدم نایستیم، از انسانیت به دور است. تقلبیت این است که لاقالب به پرستاران و پزشکان خذاقوت بگویم. ما دنبال حال‌گیری و مچ‌گیری نیستیم. همه پروتکل‌ها را رعایت خواهیم کرد. ولی این به معنای نرفتن و کارنکردن نیست. بازدید ما از بیمارستان امام، حداقل کاری بود که می‌توانستیم. ما در نظارت میدانی، همه پروتکل‌ها را رعایت کردیم. فرمانده ستاد کرونا، رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی و رئیس بیمارستان حاضر بودند و بر رعایت پروتکل‌ها نظارت کردند». سیدمحمودآباد ابطحی، حامی قالیباف و نماینده سابق، از در حمایت از قالیباف درآمده و گفته است: رئیس‌جمهوری که در شرایط سخت معیشتی مردم باید خودش در صف مقدم حل مشکلات باشد، متأسفانه از دور برای همه تصمیم می‌گیرد. اگر طبق گفته مسئولان دولتی بپذیریم که قالیباف برای شواف از بیماران کرونایی عبادت کرده، باید پرسیم چرا رئیس‌جمهور چنین شوافی را انجام نمی‌دهد؟ اینکه سران قوا میان مردم باشند و خودشان را به خاطر مردم به خطر بیندازند، یک اصل است. آقای قالیباف همراه با مجوز پزشکان و رعایت تمام پروتکل‌ها این کار را انجام داد و گفت که می‌خواهد جمع‌بندی این دیدار و مشکلات کادر درمانی را در جلسه سران مطرح کند. پذیرش چنین مسئله‌ای این‌قدر برای روحانی سخت بود که جلسه سران قوا را لغو کرد؟

ادامه از صفحه ۲

شجریان میراث ارزشمندی به یادگار گذاشت

لعیا جنیدی، معاون حقوقی ریاست‌جمهوری نیز در پیامی نوشت: «استاد شجریان را نه‌تنها برای هنر بی‌همتایش که برای نقش انکارناپذیرش در تعمیق باورهای متعالی، مفاهیم عرفانی، ارزش‌های اخلاقی و انسانی و نیز ترویج زبان، فرهنگ و ادب فارسی می‌ستاییم. بزرگانی چون او، بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ و هنر و هویت این سرزمین گهر و این ملت بزرگ هستند». علی ربیعی، سخنگوی دولت هم درباره درگذشت استاد محمدرضا شجریان در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «نماد هنر و استاد آواز دل، شجریان از جهان خاکی رخت برپست. او به‌راستی مردمی بود و از آن دسته آدم‌هایی است که در ضمیر جان و دل افراد یک جامعه جای دارند. فقدان این یار دل جامعه را به تمامی فارسی‌زبانان و دوستدارانش تسلیت می‌گویم».

همچنین محمدرضا آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران؛ حسینعلی امیری، معاون امور مجلس رئیس‌جمهوری؛ حمید بعیدی‌نژاد، سفیر جمهوری اسلامی ایران در انگلیس؛ بهرام قاسمی، سفیر ایران در فرانسه، سفیر جمهوری کرواسی و عباس، موسوی سفیر کشورمان در جمهوری آذربایجان نیز در پیام‌های جداگانه درگذشت محمدرضا شجریان را تسلیت گفتند.

عارف: تنها برای این مردم و مرزوبوم خواند

محمدرضا عارف نیز در پیام تسلیتی نوشت: «لشده سرای امید سر بر آستان جانان نهاد و فرهنگ و ملتی را داغدار عروشن کرد. استاد محمدرضا شجریان، خسرو آواز ایران که صدای او با فرهنگ و هویت ملی ما ایرانیان عجین شده است و با صدای آسمانی و ملکوتی خود چه از زمان که «ربنا» را مژده مبارک ماه رمضان ساخت و چه آن هنگام که با «مرغ شحرش» زمزمه مشترک برای همه ما ساخت، تنها و تنها برای این مردم و مرز و بوم خواند و هدفی جز اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی نداشت و چه اندوه‌بار که با کج‌سلیسگی مدیران صداوسیما در سالیان از اخیر مردم ایران در زمان افطار از شنیدن ربناي استاد از این رسانه محروم ماندند».

صدای او برای مردم بود

عبدالله نوری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز در پیامی از استاد شجریان به‌عنوان هنرمند فرهانهای کیهان دوستی و دلبستگی‌اش را با مردم بست، یاد کرد.

غلامحسین کرباسچی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی نیز با بیان خاطره‌ای از استاد شجریان در توئیتر نوشت: «سال ۱۳۷۰ کشتارگاه، فرهنگ‌سرای بهمین شد. به شجریان رنگ زدم با صدایش افتتاح کند. فلورا پذیرفت و چند شب اجرای داوطلبانه‌اش را پیشکش رونق آنجا کرد و گفت کاش هر شب اینجا می‌خواندم. خوشحالی وصف‌ناپذیری داشت که کشتارگاهی مرکز فرهنگ و هنر شده. همه زندگی‌اش تلاش برای تبدیل قهر و خشونت به لطافت فرهنگ و هنر بود».

هادی خامنه‌ای، دبیر کل مجمع نیروهای خط هادی نوشت: «شجریان در پایبندی به عهد خود با مردم ذره‌ای تردید نکرد».

همچنین حزب اعتماد ملی در پیام خود به مناسبت درگذشت استاد شجریان تأکید کرد صدای او در کنار مردم و برای مردم بود. مجمع ایثارگران، حزب همبستگی ایران اسلامی و حزب اسلامی کار نیز در پیام‌هایی درگذشت استاد شجریان را تسلیت گفتند.

پیام تسلیت مقامات خارجی

از میان مقامات خارجی، عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان نیز در پیام تسلیتی، محمدرضا شجریان را میراث مشترک فرهنگی کشورهای منطقه دانست. دفتر سازمان ملل در تهران هم در پیامی در توئیتر درگذشت محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران را به خانواده و دوستداران او در ایران و جهان تسلیت گفت. نیچروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق نیز در پیامی درگذشت شجریان را تسلیت گفت. استفان شولتز سفیر اتریش در تهران، سفارت سوئیس در تهران، سفارت بریتانیا در تهران، سفارت جمهوری آذربایجان در تهران و سفارت فرانسه در تهران هم در پیام‌های جداگانه درگذشت استاد آواز ایران را تسلیت گفتند.

آکهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند

برابر برای شماره ۵۱۹۵-۳۱۰۴۵۷-۱۳۹۶ق، مورخ ۰۶-۰۶-۱۳۹۶ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای افشین جسور ایلخچی فرزند علی بشماره ملی ۱۷۰۹۷۲۳۰۱ بشماره پرونده ۷۱۶-۱۳۹۸ نسبت به شش‌دانک یک قطعه زمین با بنای ادحائی به مساحت ۴۰۳ (چهارصدو سه)متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت ساری خریداری مع اواسطه از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آکهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آکهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۹۹۰۵۴۰۲

تاریخ انتشار نوبت اول:۵-۵-۱۳۹۹تاریخ انتشار نوبت دوم:۷-۷-۱۳۹۹
علیرضا سیاه‌رودکلایی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه۳

نیز اشاره کرد. گاهی اوقات، مربیگری ممکن است به معنای یک رابطه غیررسمی بین دو نفر باشد که یکی از آنها تجربه و تخصص بیشتری نسبت به دیگری دارد و به شخص دیگری مشاوره و راهنمایی می‌دهد. نوازندگان و آهنگ‌سازان بزرگی نیز سال‌ها در کنار او بوده و از این استاد بزرگ آموخته‌اند و حتی در کنار وی پرورش یافته‌اند. برای همه این اقدامات، ایجاد «وفاداری» به موسیقی ایرانی که یکی از مباحث مهم حوزه مدیریت منابع انسانی، رفتار سازمانی و ارتباط با مشتریان در جهان امروز است، حاصل تلاش‌های اوست. برای هم‌سلان نگارنده، نگاه‌کردن به کاست‌های آلبوم‌های شجریان در سال‌های کودکی و نوجوانی در خانه پدری، خاطره آن تصنیف و آوازها در روزهای جمعه و تعطیل را زنده می‌کند و بی‌اگرایی نیست اگر صدا و تصویر، او، بسیاری از ما را همراه با موسیقی کرد و او را نسل‌های قبل از ما و نسل بعد نیز تداوم داشته است. برای کسی که در لحظات متفاوت افطار، رنای او، عامل پیوند دل و عالم فراماده بوده و لب‌های تشنه را در زمزمه نام حق تعالی مزین کرده، رفتن به دیدار محبوب در روز چهلِم شهادت سرور آزادگان، امری غریب نیست. عاش سعیدا و مات سعیدا.